

مشروح دومین جلسه دادگاه محمدعلی نجفی

نجفی: اتهام قتل عمد را به هیچ عنوان قبول ندارم/مهدورالدمی را من نگفتم

تهران (پانا) - دومین جلسه رسیدگی به پرونده قتل میترا استاد همسر دوم شهردار پیشین تهران صبح امروز چهارشنبه ۲۶ تیرماه به صورت علنی در سالن اجتماعات امام خمینی (ره) به ریاست قاضی محمدی کشکولی رئیس شعبه نهم دادگاه کیفری یک تهران برگزار شد.

به گزارش ایسنا، در ابتدای دومین جلسه رسیدگی به پرونده قتل میترا استاد، رئیس دادگاه پیش از اعلام رسمیت جلسه دادگاه گفت: جلسه دادگاه با مجوز ریاست قوه قضائیه به موجب مقررات قانون آیین دادرسی کیفری علنی است و انتشار مشروح جلسات دادگاه با رعایت محدودیت های مندرج در ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری آزاد است.

قاضی کشکولی گفت: با توجه به اینکه مطالبی در فضای مجازی به روایت از خبرنگاران محترمی که در دادگاه حضور دارند، منتشر می‌شود لازم می‌گردد؛ و در صورت لزوم می‌تواند منجر به نقض مقررات ماده ۳۵۴ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری را در خصوص اخلاف در نظم دادگاه تذکر دهیم.

در ادامه جلسه مستشار دادگاه مفاد این دو ماده را قرائت کرد.

در این لحظه قاضی کشکولی با اعلام رسمیت جلسه تاکید کرد: پیرو جلسه قبل، جلسه امروز را در وقت مقرر برگزار می‌کنیم.

وی ادامه داد: محمد علی نجفی، دوتن از وکلای مدافع او و وکلای اولیای دم و همچنین مهیار صفری و آقای دادستان هم در جلسه حضور دارند.

رئیس دادگاه افزود: کارشناسانی که در صحنه جرم حضور داشتند و همچنین کارشناسان اسلحه و پزشک معاینه جسد در جلسه امروز حضور دارند که در صورت لزوم از آنها اخذ توضیح خواهد شد.

قاضی کشکولی گفت: ورود و خروج افراد از ساعت ۹ صبح تا ساعت ۱۲:۴۰ که آخرین خروج آقای نجفی بوده است پخش خواهد شد. در این مرحله از رسیدگی به پرونده پیرو مطالب قبلی دادگاه احدی از وکلای اولیای دم می‌توانند در جایگاه حضور یابند.

دومین جلسه رسیدگی به پرونده قتل میترا استاد در حالی آغاز شده است که پسر میترا استاد در دادگاه حضور دارد.

در ادامه جلسه حاجی لویی یکی از وکلای مدافع اولیای دم با حضور در جایگاه، گفت: در جلسه قبل شما در رابطه با حواشی که پیش آمده بود تذکر دادید ولی بعد از جلسه موضوع مهدور الدم بودن تیترو روزنامه‌ها؛ و حرمت اولیای دم خدشدار شد و اینجانب به همراهی همکارم بعد از مطالعه پرونده دفاعیات ناجوانمردانه متهم حاضر را دیدیم که جا دارد مواردی را ذکر کنم.

وی افزود: این دفاعیات بسیار متعارض بود و به صورت تیترو اول روزنامه‌ها؛ در آمد. اقرار متهم در پرونده این بود که مقتوله ابتدا وارد زندگی او شده و بعد گفته من اشتبهاً ازدواج کردم. ما می‌دانیم متهم چه هزینه‌ها؛ و هابی کرده

تا نظامات را زیر پا بگذارد و ازدواج را ثبت کند. بعد متهم گفته که من طلاقش ندادم و از آنجا که حق طلاق با مرد است می‌توانسته حق و حقوق او را بدهد و بعد متهم گفته که او را کشتم و اشتباه کردم.

وی افزود: آقای نجفی شما وزیر سابق آموزش و پرورش بودید، نوک مداد را نشکسته‌اید که می‌گویند اشتباه کردم؛ شما آدم کشتید. اینجا صحنه سیاست نیست که به راحتی کنار بکشید شما مرتکب قتل عمد شده‌اید. بعد گفتید که او پرستو است و با نهادهای امنیتی در ارتباط است.

قاضی کشکولی در این هنگام به وکیل مدافع اولیای دم تذکر داد و گفت: ما مقررات آیین دادرسی کیفری را قرائت کردیم و توقع این است که شما وکلا که حقوقدان هستید دقت کنید و بیان الفاظ ناجوانمردانه در شان دادگاه نیست.

نجفی تهدید کرد که با اسلحه مادرم را خواهد کشت

در ادامه جلسه مهیار صفری فرزند مرحومه میترا استاد با حضور در جایگاه تقاضای قصاص متهم را کرد و گفت: سوم راهنمایی هستم. ساعات ۹ صبح از منزل خارج شدم و ساعت ۱۲ ظهر به منزل رسیدم و متوجه حضور دو مرد غریبه در منزل شدم و به کمک آقای آقازاده وارد حمام شدم و با جسد مادرم روبرو شدم.

وی در پاسخ به سوال رئیس دادگاه درباره اختلاف مادرش با متهم نجفی گفت: بله آنها اختلاف داشتند و چند بار تهدید کرد که با همین اسلحه مادرم را خواهد کشت.

دایمی‌ام مسعود استاد تا ۱۲ شب قتل منزل ما بود

قاضی کشکولی از او پرسید آیا شما اسلحه را در منزل دیدید که مهیار صفری گفت: خیر. آقای نجفی گفتند که اسلحه را در منزل همسر اولش نگهداری می‌کنند.

رئیس دادگاه درباره اختلاف شب قبل از قتل مادرش با متهم نجفی پرسید که او گفت: بله شب قبل از قتل ساعت ۹ و نیم تا ۲ و نیم شب با هم درگیری داشتند و دایمی‌ام مسعود استاد نیز تا ۱۲ شب منزل ما بود.

همواره با مادرم رابطه خوبی داشتم

صفری گفت: روز حادثه ساعت ۸ و نیم صبح آقای نجفی مرا با عصبانیت بیدار کرد و گفت باید به مدرسه بروی.

قاضی از او پرسید آقای نجفی در کیفرخواست گفته است که مادرت بارها با شما نیز درگیر شده و چند نوبت شما را از منزل بیرون کرده است که مهیار صفری در پاسخ این موضوع را رد و گفت که همواره با مادرش رابطه خوبی داشته است.

اتهام قتل عمد را به هیچ عنوان قبول ندارم

در ادامه جلسه نجفی با دستور قاضی در جایگاه قرار گرفت و پس از معرفی خود در پاسخ به سوال قاضی که آیا اتهامات خود را قبول دارید یا خیر؟ در دفاع از خود گفت: آنچه که اتفاق افتاده را قبول دارم و توضیح می‌دهم اما اتهام قتل عمد را به هیچ عنوان قبول ندارم و دلایل خود را عرض می‌کنم.

وی گفت: خدمت ریاست محترم دادگاه و مستشاران و حضار محترم عرض سلام دارم و تشکر می‌کنم از این وقتی که به من دادید.

نجفی ادامه داد: در ابتدای سخن می‌گویم از این حادثه دردناک بنده هم بسیار متاثر هستم و مجدداً به خانواده استاد تسلیت عرض می‌کنم.

تا یک حدی خودم را در این قضیه مقصر می‌دانم؛ZWNJ

وی افزود: امیدوارم آنچه اینجا می‌ZWNJ؛گویم موجب روشن‌ZWNJ؛تر شدن ماجرا شود تا قضات بتوانند بر اساس شرع و قانون حکم عادلانه‌ZWNJ؛ای صادر کنند.

این متهم تاکید کرد: هدف بنده فقط روشن شدن حقایق است و تا یک حدی خودم را در این قضیه مقصر می‌ZWNJ؛دانم و امیدوارم بابت تقصیر و گناهی که از سوی من به وقوع پیوسته خدا من را مورد رحمت قرار دهد.

وکیل حق ندارد توهین کرده و از لفظ ناجوانمردانه استفاده کند

نجفی ادامه داد: آنچه که وکیل گفته چیزی بر کیفرخواست اضافه نکرده و از دادگاه تشکر می‌ZWNJ؛کنم که براساس قانون به وکیل تذکر داد زیرا ایشان حق ندارد توهین کند و از لفظ ناجوانمردانه استفاده کرده و یا به طعنه از دوران وزارت در آموزش و پرورش بگوید. درباره آنچه که در مطالب مهیار آمد شرایط روحی ایشان و خانواده را درک می‌کنم و مطالبی به اشتباه گفته شده که خیلی به آن وارد نمی‌ZWNJ؛شوم و به هیچ وجه عنوان نکرده‌ZWNJ؛ام که همسر را به قتل تهدید کردم. برای روشن شدن ماجرا آنچه که لازم است را می‌ZWNJ؛گویم و وکیل وقت بیشتری را در دفاع و توضیحات مطالب کیفرخواست ارائه می‌ZWNJ؛دهد.

برای اثبات قتل، باید نامه‌ZWNJ؛ام در جلسه غیرعلنی خوانده می‌ZWNJ؛شد

متهم پرونده قتل میترا استاد گفت: مطالبی از نامه ۶ صفحه‌ZWNJ؛ای من خوانده شد در سطر نامه نوشته بودم که دلم نمی‌ZWNJ؛خواهد عمومی شود و حتی گفته‌ZWNJ؛ام تعداد معدودی از بستگانم از نامه باخبر شوند. چطور اینجا بخش‌ZWNJ؛هایی از نامه قرائت شد و حتی برای اثبات قتل، باید در جلسه غیرعلنی خوانده می‌ZWNJ؛شد. متاسفم خیلی از مطالب غیردقیق مطرح شد.

ازدواجمان ۸ اردیبهشت ۹۷ بود

وی در مورد تاریخچه زندگی خودش با مرحومه میترا استاد گفت: ازدواجمان در ۸ اردیبهشت ۹۷ بود البته قبل از آن ۷ ماه عقد موقت بودیم و در آن مدت محرم بودیم و رابطه داشتیم اما در آن دوران مشغله و مسئولیت بسیاری داشتم و فرصت برای گفت‌ZWNJ؛وگو نداشتم و خیلی مسائل اجمالی مطرح می‌ZWNJ؛شد و مساله عقد دائم با عجله رخ داد.

پیشنهاد دادم که عقد به تعویق بیفتد اما استاد نپذیرفت

نجفی یادآور شد: تقاضایم این بود که عقد دائم به تاخیر بیفتد تا فرصت بیشتری برای شناخت پیدا کنیم. یک قرار عمل جراحی سخت هم داشتم و حدود ۱۰ اردیبهشت پزشک گفته بود یک ماه نمی‌ZWNJ؛توانم فعالیت موثری داشته باشم و پیشنهاد دادم که عقد به تعویق بیفتد اما ایشان نپذیرفت.

وی ادامه داد: اختلافات سرباز کرد و به این نتیجه رسیدیم که اختلاف داریم و سعی کردم بعد از کناره‌ZWNJ؛گیری از مسئولیتم با بحث به نقطه مشترک برسیم ولی سوءبرداشت‌ZWNJ؛هایی بود که مسائل را حادتر نشان داد.

می‌ZWNJ؛گفت عاشق من است، من هم ایشان را دوست داشتم

نجفی افزود: ۶ ماه قبل از حادثه به این نتیجه رسیدم که زندگی مشترک ما با توجه به عمق اختلافات نمی‌تواند ادامه یابد. پیشنهاد دادم با توافق جدا شویم و حتی گفتم فرصت بدهد دو یا سه ماه تمام مهریه‌ZWNJ؛اش را می‌ZWNJ؛دهم اما قبول نکرد و می‌ZWNJ؛گفت عاشق من است. من هم ایشان را دوست داشتم ولی با این حجم اختلافات ترسم این بود به نفرت تبدیل شود و سعی شد با برخی از ریش سفیدان و افرادی تماس گرفته و ایشان را به طلاق تشویق کنم اما تعهدی در روز عقد داده بودم که خواست از من اختیار طلاق را به ایشان بدهم که ندادم اما در مقابل دو تعهد دادم و گفتم هر وقت

خواستی جدا شوی قبول می‌کنم و هر وقت به این نتیجه رسیدم که جدا شویم با توافق شما انجام شود و نمی‌خواستم زیر قولم بزنم.

در طول عمرم با هیچ خانمی برخورد فیزیکی نداشتم

این متهم افزود: یک ماه قبل از حادثه به من گفت حق نداری راجع به طلاق حرف بزنی و ارتباطم بیشتر با برادرش بود که اکنون در جلسه حاضر است اما مرحومه تاکید داشت که نه با من و نه با کس دیگری در مورد طلاق حرف نزنم. یک هفته قبل از حادثه تصمیم گرفتیم به خانه بزرگتری برویم و حتی روز اسباب کشی جر و بحث بالا گرفت و رابطه سرد بود. حتی شب قبل از حادثه برادرش در خانه ما دعوت بود و فهمید رابطه ما سرد است. حتی دید که مطالب دوستانه‌ای بین ما رد و بدل نمی‌شود. پس از رفتن آنها دوباره ناسزاگفتن را شروع کرد و حتی ۴ تا ۵ بار در این مدت برخورد فیزیکی داشتیم، در حالی که در طول عمرم با هیچ خانمی برخورد فیزیکی نداشتم و این اتفاق مرا متاثر و افسرده می‌کرد. سعی کردم جواب ندهم و به بهانه خوابیدن حدود ساعت ۱۱ و نیم شب به اتاق خواب رفتم اما ایشان تا ساعت ۳ نیمه شب نمی‌گذاشت من بخوابم و خشمگین بود و ناسزا می‌گفت. همان حوالی بود که به اتاقش رفت تا بخوابد.

روایت نجفی از روز وقوع قتل

نجفی در مورد روز حادثه گفت: ساعت ۸ صبح بود که بیدار شدم و حدود ۸ و نیم مهیار را بیدار کردم که به مدرسه برود و در طول یکسال سعی کردم وظایف پدری‌ام را انجام دهم. حتی مرحومه جلوی من به خانواده‌اش می‌گفت کارهایی که می‌کند بیشتر و سنگین تر از پدر اصلی‌اش است. ساعت ۹ شده بود که مهیار رفت و ایشان بیدار شد و مجدد ادامه بحث و ناسزاگفتن را مطرح کرد. خواستم پاسخ ندهم و ساعت ۹ و نیم شده بود که گفت می‌روم به حمام و پس از آن بیرون می‌روم. گفتم کجا؟ گفت خودم می‌دانم. این موضوعی بود که خیلی بین ما بحث شده بود. از آن لحظه به بعد خیلی عصبانی شدم و همه ماجرا دو تا سه دقیقه طول کشید و نفهمیدم چه شد. عصبانیت و خشم مرا فرا گرفت.

اسلحه مجاز بود

نجفی افزود: در مورد نگهداری و غیرمجاز بودن اسلحه بعداً توضیح می‌دهم زیرا مجاز بوده و آنرا تمديد کرده بودم.

وی افزود: پشت سر میترا استاد رفتم. فکر کردم از درب حمام تا وان یک متر فاصله است. فکر می‌کردم ایشان در وان است و می‌توانم بنشینم و با او حرف بزنم و قطعی روی طلاق تصمیم بگیرم. پشت سرش وارد شدم. در کمد نیمه باز و اسلحه آنجا بود. آن را برداشتم و بالش را روی آن گذاشتم تا اسلحه را نبیند و نگران نشود. چون یکبار گفته بود بیا و روش استفاده اسلحه را به من یاد بده. وقتی وارد حمام شدم متأسفانه ایشان وارد وان نشده بود و ما سینه به سینه هم شدیم. بالش را کنار زدم تا اسلحه را ببیند و به او بگویم که کارمان به جای باریک می‌کشد اگر با گفت‌وگو مسایل را حل نکنیم اما ایشان وقتی اسلحه را دید نمی‌دانم چه شد که هول شد.

نجفی ادامه داد: ایشان دستشان را روی شانه های من گذاشت، من به عقب رفتم و به این دلیل که دستم روی ماشه بود یک گلوله شلیک شد و بالش روی زمین افتاد. من سپس دستم را بالا بردم و سپس ایشان دو دستی دست راست مرا گرفتند، من گفتم ول کن و پس از تیر اول ۴ تیر دیگر نیز شلیک شد. من قصد شلیک نداشتم. آخرین تیر که به او برخورد کرد من دیدم ایشان مرا رها کرد و سپس دیگر تیری شلیک نشد. او سپس داخل وان افتاد. من بلافاصله اسلحه را جلوی آینه حمام گذاشتم. شوکه شده بودم. دست گذاشتم دیدم حرکتی ندارد. دیدم که بالای سینه شان سوراخ است. شاید ۴ یا ۵ دقیقه بدون حرکت آنجا ایستاده بودم و حالتی غیرقابل تصور داشتم.

نجفی با بیان اینکه قصد کردم خودم را با آن اسلحه تنبیه کنم و بکشم، افزود: دوبار کنار ایشان رفتم و در وان نشستم. بعدها فکر کردم که چرا شلوار و پای من باید خونی باشد. هرچقدر فکر کردم متوجه نشدم. بعد فهمیدم همان دوبار که سمت چپ ایشان نشستم همانجا خونی شده باشد و بعد از چند دقیقه از وان خارج شدم و در اتاق قدم زدم و به بالکن رفتم و فکر کردم که آیا خودم را از آنجا پرت کنم یا نه.

وی افزود: به راننده زنگ زد تا بیاید دو کیف اسناد خصوصی مثل چند موبایل و پاسپورت و شناسنامه و یکسری مدارک پزشکی و قبالة ازدواج داشتم و چون نمی‌دانستم چه اتفاقی برایم می‌افتد؛ زنگ زدم به راننده گفتم که بیاید تا کیف‌ها را به او بدهم تا به دخترم برساند. مثل اینکه راننده وقتی رسیده بود به من زنگ زده بود و من متوجه نشدم.

عنوان مهدور الدم را بیان نکردم، بازپرس می‌خواست آن را در دهان من بگذارد

نجفی گفت: بنظرم رسید متنی بنویسم و بخشی از داستان زندگی مشترکم با او را بنویسم. به خواست آن مرحوم ۶ ماه ارتباطی با خانواده‌ام نداشتم. آنچه که نوشتیم با عجله بود و بعضی چیزها بصورت غیر دقیق نوشته شد. من در دفاعیاتم عنوان مهدور الدم را بیان نکردم. بازپرس پرونده می‌خواست آن را در دهان من بگذارد و می‌گفت که قبول داشتی که مهدور الدم است که این عنوان اصلاً آن زمان مطرح نبود و بعداً مطرح شد.

نجفی ادامه داد: زمانی که راننده آمد به او گفتم کیف را بالایاورد و قصد داشتم که نامه را داخل یکی از آن دو کیف که به او داده بودم بگذارم تا او نتواند نامه را بخواند. بعد به قم و زیارت حضرت معصومه (س) و مزار پدر و مادر رفتم. گفتم به آنجا بروم و تصمیم بگیرم که خود را به پلیس معرفی کنم یا اینکه تصمیم دیگری بگیرم. اسلحه را با خود برده بودم زیرا گفتم اگر بخوام خود را به پلیس معرفی کنم بهتر است که اسلحه را تحویل دهم. پیش خودم گفتم اگر قرار باشد خودم را سر مزار پدرم بکشم باز هم باید اسلحه همراهم باشد.

وی افزود: من آن موقع کارت حمل سلاح را زیر جعبه داروها در کمد خانه گذاشته بودم و وقتی کارت را دیدم متوجه شدم زمانش تا سال ۹۴ بوده است و من آن موقع بود که این را متوجه شدم در ادامه به ترمینال بیهقی رفتم و با اتوبوس به قم رفتم. پس از اینکه در قم بودم تصمیم گرفتم به تهران بروم. با تاکسی به ترمینال جنوب و سپس به اداره آگاهی مرکزی رفتم. حتی موبایل هم نداشتم و در کیف گذاشته بودم زیرا گفتم اگر بخوام خودکشی کنم این موبایل بعداً گم نشود.

وی افزود: من اسپیس تلفن راننده را گرفتم، دخترم تلفن را جواب داد و گفتم من به آگاهی می‌روم و مشکلی نیست. پس از اینکه به آگاهی رفتم یکی دو ساعت درباره مسایل اتفاق افتاده صحبت کردم. رییس آگاهی آمد و سلام و علیک کردند. بعد از افطار لباس بازداشتگاه را پوشیدم و بعضی سوال و جواب‌ها انجام شد و شب به پزشکی قانونی رفتم.

نجفی با اشاره به موضوع قصد قبلی برای انجام قتل، گفت: به هیچ عنوان قصد قتل در ذهن من نبود اما قبول دارم اشتباه کردم که اسلحه را برداشتم و ۵ گلوله شلیک شد. من اگر در فاصله یک متری قصد قتل داشتم و می‌خواستم او را از بین ببرم یک گلوله کافی بود اما از ۵ گلوله ۴ تا از آن به سقف و دیوار خورده است.

وی افزود: من با اسلحه آشنایی داشتم. زمانی که با شهید چمران در ارتباط بودم و قصد رفتن به لبنان داشتم در کلاس‌هایی در این خصوص شرکت می‌کردم. اینکه ۵ گلوله شلیک شده و ۴ تا به سقف خورده نشان دهنده این است که من با قصد شلیک نکردم بلکه غیرارادی بوده. وقتی او درون وان بود شلیک‌ها متوقف شد اما در برخی رسانه‌ها گفته شده که میترا استاد با ۵ گلوله به قتل رسیده است که ۵ گلوله یعنی هم قتل و هم نفرت و هم غیره هم بوده است.

نجفی با بیان اینکه اصابت‌های گلوله نشان دهنده این است که شلیک‌ها بطور مستقیم نبوده است، گفت: در فضای مجازی این مطالب به طنز می‌آید. سه نفر در بازداشتگاه و یک نفر هم در آگاهی همین مطلب را از من سوال کردند و گفتند شما که آشنایی داشتید چرا یک فرمول دیگری برای این عمل پیدا نکردید. من گفتم که اصلاً قصد قتل نداشتم.

من یادم رفت خشاب را بردارم و اسلحه را پنهان کنم

سپس نجفی در ادامه دفاعیات خود گفت: زمانی که در منزل با همسر اولم بودم در جایی اسلحه را پنهان کرده بودم تا کسی آن را نبیند اما همسرم از آن خبر داشت اما بعد که به منزلی که برای آن مرحومه گرفته بودم نقل مکان کردم اسلحه را در

بخشی از لباس‌ها؛ زنی که استفاده نمی‌کردم؛ گذاشته بودم و وقتی به این منزل آمدم آن چمدان را باز نکردم. چمدان را جایی گذاشته بودم روی قفسه و کیف‌ها و وسایل دیگر را روی آن گذاشته بودم. مرحومه چند بار از من پرسید که آیا اسلحه را آورده‌ای؛ من گفتم بله. گفت به من یاد بده که من به تعویق می‌انداختم؛

نجفی افزود: مرحومه روزی به شوخی گفت یک روز اسلحه را بیاور تا خودمان را بکشیم که من هم به شوخی گفتم تو اول مرا بکش و بعد اگر دلت آمد خودت را هم بکش. در نتیجه آقا مهیار هم کنجاو بود. من برای اینکه کسی به آن دسترسی نداشته باشد چمدان را در آن قفسه گذاشته بودم. کمدی در اتاق خواب من بود که وسایل خصوصی من در آنجا بود. مرحومه وقتی وسایل را می‌آورد اسلحه وسط لباس‌ها بود. گفت این چیست که گفتم اسلحه است. من نمی‌خواستم که با آن ور برویم. آن را گرفتم و روی یکی از قفسه‌های کمد که کنار قرص‌ها بود گذاشتم. هدفم این بود که دوباره اسلحه را پنهان کنم. آن شب ایشان گفت شام بخوریم. با هم به سمت آشپزخانه رفتیم. من یادم رفت خشاب را بردارم و اسلحه را پنهان کنم. روز درگیری وقتی پشت سر ایشان با حالت خشم رفتم چشمم به اسلحه افتاد و گفتم اسلحه را بردارم و به او بگویم که ما کارمان به جای باریک می‌کشد.

این ازدواج با دقت انجام نشده بود

نجفی افزود: امیدوارم توضیحاتم از گمانه زنی‌هایی که به غلط توسط برخی مسئولین و دیگران انجام شده کاسته باشد. من توضیح دادم که این ازدواج بدلیل اینکه با دقت انجام نشده بود من هم مقصر بودم زیرا سنم بیشتر بود و من تجربیات بیشتری داشتم.

نجفی در ادامه با بیان یا رب نظر تو برنگردد، گفت: امیدوارم خداوند از گناهان ما درگذرد و امیدوارم دادگاه تصمیم درستی بگیرد. این مصیبت‌ها ممکن است در زندگی همه پیش بیاید.

درخواست رییس دادگاه از اولیای دم برای اعلام گذشت

قاضی کشکولی در ادامه با توجه به دفاعیات نجفی خطاب به مهیار صفری، گفت: وظیفه دادگاه این است که طرفین را به سازش دعوت کند و ما از اولیای دم و وکلای آنان می‌خواهیم سازش و اعلام گذشت کنند زیرا قصاص یک فرد نمی‌تواند جایگزین قتل مقتوله باشد. گذشت می‌تواند یک فرهنگ عمومی را به نمایش بگذارد و توجه جامعه ما را به جرایم جنایی سوق دهد تا بیشتر مراقب رفتار خود باشند.

قاضی کشکولی افزود: یکسری دلایل اتهام مطرح است. بنابراین ممکن است سؤالات تکراری پرسیده شود. بخش‌هایی از صحنه‌های اولیه شما در پلیس آگاهی و صحنه قتل را قرائت می‌کنم. شما گفتید خشاب اسلحه از قبل در سلاح بود و مسلح نبود و روی ضامن قرار داشت. وقتی به سمت حمام رفتم آن را مسلح کردم البته اشتباه کرده و مرتکب قتل شدم. آیا این گفته‌ها را قبول دارید؟

آنچه در روز اول گفته‌ام به دلیل شرایط نامساعد من بوده

نجفی گفت: نمی‌دانم چه شده. هر چه فکر کردم در فاصله اتاق تا حمام کاری جز برداشتن بالش نکردم. اسلحه از قبل مسلح بوده. آنچه در روز اول گفته‌ام به دلیل شرایط نامساعد من بوده و شرایط عادی نداشتم.

قاضی پرسید شما با بکارگیری سلاح آشنایی داشتید چطور مسلح بوده؟ نجفی گفت: در منزل قبلی مسلح بوده و لابلای لباس‌ها گذاشتم اما دقت کافی نکردم خشاب را نخواستم جدا کنم که گم نشود و متاسفانه سلاح مسلح به منزل جدید منتقل شد.

قاضی پرسید: مهیار چه ساعتی از خانه خارج شد؟ که نجفی گفت: آژانسی که برای مهیار رزرو کرده بودیم برای ساعت ۹ بود. ۹ و ۵ دقیقه از خانه خارج شد و فکر می‌کنم حدود ۹ و نیم این اتفاق افتاد.

قاضی کشکولی پرسید نامه را پس از انجام قتل نوشته‌اید؟ نامہ در ۶ صفحه و بار حقوقی داشته است. چطور با آن شرایط روحی دسته بندی شده نوشتید؟ متهم پاسخ داد: من دقت نداشتم بار حقوقی دارد یا نه. یک ربع یا ۲۰ دقیقه نمی‌دانستم چه کنم. در منزل قدم می‌زدم. به نظرم رسید که باید خود را تنبیه و خودکشی کنم. نامه را هم با این غرض نوشتم و آنچه به ذهنم بود را با سرعت نوشتم و قصد و غرض حقوقی نداشتم. وقتی راننده رسید نامه تمام نشده بود. پایین خانه منتظر شد و بعد نامه را به او دادم.

قاضی پرسید قبل از تماس با راننده نامه را نوشته بودید که نجفی گفت: فکر می‌کنم زنگ زدم به راننده و گفتم بیا و شروع کردم به نوشتن و وقتی رسید نامه تمام نشده بود. حدود ۱۰ زنگ زدم و حدود ۱۰ و نیم فکر کنم نامه تمام شد.

قاضی گفت پس فکر می‌کنید زمان نوشتن نامه ۳۸ دقیقه طول کشیده درست است؟ نجفی گفت که احتمالاً چون آخر نامه چیزهایی اضافه کردم و همه نامه بعد از قتل نوشته شد.

قاضی پرسید نامه در کیف و در خانه زهرا دخترتان کشف شد. دست نوشته‌ای هم روی میز ناهارخوری به دست آمده در این باره بگویید. در این لحظه دست نوشته به متهم داده شد تا در مورد آن توضیح دهد.

نجفی گفت: من این دست نوشته را در تاریخ ۲۰ اسفند سال گذشته نوشته‌ام. اینها مطالبی است که مرحومه به من گفته است.

قاضی پرسید از تلفن ایشان به دست آوردید؟ نجفی گفت: خیر، خودشان گفته بود.

قاضی: چرا روی میز بود؟ نجفی گفت: شاید قاطی وسایلم شده. تعجب می‌کنم جز یادداشت‌های خاص من بود. من بعد از گفت‌وگو با او اینها را می‌نوشتم. ایشان صدای من را ضبط می‌کرد اما من می‌نوشتم و مطالبی است که به من می‌گفته است. دو برگ دیگر به سازمان بازرسی و صندوق ذخیره فرهنگیان را عصر روز قبل از حادثه نوشتم که کاملاً دقیق است.

قاضی کشکولی، گفت: در تاریخ ۱۶ آذر ۹۷ نامه‌ای در پلیس ۱۱۰ موجود است که نشان می‌دهد فردی با هویت محمد علی نجفی به واحد پلیس مراجعه و اظهار کرده که فردی به نام میترا استاد یک سال است همسرش بوده و از ایشان شاکا است. این موضوع را قبول دارید؟ نجفی گفت: وقتی درگیری ما حاد شد دو بار اورژانس را خبر کردم. یک بار به صورت سطحی دستش را با تیغ بریده بود که به اورژانس گفت مسئله جدی نیست اما چون در تماس با اورژانس گفته شده بود خودزنی است اورژانس پلیس را خبر داده بود و این نامه مربوط به آن موقع است.

در این لحظه قاضی پرونده میترا استاد اعلام کرد که نمایشی از لحظه ورود و خروج محمدعلی نجفی در روز حادثه وجود دارد که در دادگاه به نمایش گذاشته شد.

قاضی از متهم پرسید در آن روز چه لباس به تن داشتی که متهم پاسخ داد: تیشرتی که شب قبل به تن داشتم، طوسی تیره رنگ بود و رویش کت و شلوار طوسی پوشیدم و با همان لباس به آگاهی رفتم. کیف برزنتی کوچکی که متعلق به مرحومه بود را برداشتم و خالی کردم و اسلحه را در یک جانماز بیچیدم و در کیف گذاشتم و با خود به قم بردم.

در این لحظه فیلم ورود محمدعلی نجفی به آسانسور ساختمان مسکونی‌اش پس از وقوع قتل به نمایش گذاشته شد که در آن نشان داده شد متهم با تیشرت تیره طوسی و کت و شلوار و در حالی که کیف به دست چپش بود وارد آسانسور شده و پس از لحظه‌ای از آن خارج شده است.

قاضی پرسید این فیلم را قبول دارید خودتان هستید؟ نجفی گفت: بله در طبقه پارکینگ پیاده شدم چون می‌خواستم در خیابان کمی قدم بزنم و فکر کنم. وقتی در شرایط بد روحی قرار می‌گرفتم و معمولاً به قم می‌رفتم و با همین نیت هم رفتم. وقتی وارد صحن می‌شوم فردی به من تسلیم گفت و فهمیدم خبر پخش شده است. فردی می‌خواست سلفی بگیرد و می‌گفت در تهران دنبال شما می‌گردند اما گویا از پشت سرم

عکس را گرفت و من در جریان آن نبودم.

قاضی پرسید در چه ساعتی؟ متهم پاسخ داد: حدود ۱۶ و ۳۰. وقتی به تهران رسیدم از تلفن راننده استفاده کردم. به نظرم رسید خانواده‌ام باید باخبر شوند. زنگ زدم با دخترم حرف زدم و گفتم نگران نشوند و گفتم به آگاهی مرکزی می‌روم. جلوی آگاهی با موتور یک مامور وارد شدم به همین دلیل افسر نگهبان من را ندید. اسلحه‌ام را هم به همین افسر دادم.

نجفی در پاسخ به سوال قاضی که آیا اظهارات خود را در مرحله تحقیقات مقدماتی قبول دارید؟ گفت: سوالات از من خیلی زیاد بود. من روز اول و دوم زیاد به خودم تسلط نداشتم تا آنچه برای خودم افتاده را تجزیه و تحلیل کنم.

نجفی گفت: همان شب که خودم را معرفی کردم از من خواستند با صدا و سیما مصاحبه کنم، چون گفتند شایعه شده شما از کشور خارج شدید و رفتید و چون آن عکس هم در آگاهی منتشر شده بهتر است مصاحبه کنید که من هم به این دلیل مصاحبه کردم.

متهم این پرونده با اشاره به اظهارات وکلای اولیای دم، گفت: وکیل گفت که من عنوان مهدورالدم را در دفاعیاتم به کار بردم اما من بکار نبردم و حتی اگر به آن معتقد هم باشم بنا نیست خودم او را به قتل برسانم.

وی افزود: همچنین گفته شده که من گفته‌ام ایشانشان پرستو است اما من لفظ پرستو را به کار نبردم. این را بعضی در فضای مجازی نوشته‌اند که باید از خودشان بپرسید با چه انگیزه‌ای نوشته‌اید.

نجفی با اشاره به اظهارات وکلا در مورد فروش خودرو و حساب‌های بانکی، گفت: ما قصد داشتیم با پول‌هایی که من قرض می‌کنم بتوانیم یک خانه بخریم که پول‌ها به آن خانه مورد نظر و در آن منطقه که مورد نظر مرحومه بود هم نمی‌رسید و به پول حساب‌ها هم کسی دست نزده است.

وی با بیان اینکه آنچه که می‌گویم برای تبرئه خودم نیست، گفت: من حتی گفتم دوست دارم قصاص شوم تا اینکه احساس گناه در محضر الهی بخشیده شود.

وی تاکید کرد: من حتی نمی‌دانستم گلوله به دست ایشان هم خورده است. در آگاهی از دو چیز تعجب کردم یکی اینکه گفتند تو خودت گلوله خوردی؟ که گفتم نه. همچنین گفتند به دستش هم گلوله زد که باز هم گفتم نه. گفتم فقط گلوله آخر به او خورد.

نجفی گفت: من ایشان را دوست داشتم و او هم من را دوست داشت. حتی اگر کسی همسر خود را به طور عادی از دست دهد مدتی طول می‌کشد که خود را با شرایط تنظیم کند.

در ادامه قاضی از سرگرد عزتی راد خواست تا نظر قطعی خود را بیان کند.

متهم هنگام تیراندازی، دستش تعادل نداشته

سرگرد عزتی راد گفت: بررسی‌های کارشناسی ما نشان می‌دهد که متهم هنگام تیراندازی، دستش تعادل نداشته زیرا ۳ گلوله آن به فاصله نزدیک به هم، به دیوار و سپس به سقف حمام کمانه کرده است و نشان می‌دهد که ۳ گلوله به دیوار و یک گلوله مستقیم به کمد چوبی رو به رو و تنها یک گلوله در کش و قوس‌های به وجود آمده به دست و سپس به بدن مقتول اصابت کرده است.

وی در پاسخ به سوال قاضی که شما در گزارش خود اشاره کرده‌اید که اگر گلوله در فاصله یک یا ۵ متر شلیک شده باشد باید از بدن مقتول خارج می‌شد؟ گفت: بررسی‌های ما نشان می‌دهد که مقتوله ورزشکار و یا از یک اندام ورزیده برخوردار بوده زیرا گلوله باید از پهلو او خارج می‌شد.

قاضی کشکولی خطاب به متهم گفت: در عرف برای صحبت کردن اسلحه نمی‌زنند.

نجفی گفت: بله قبول دارم اما چون چند باری گفته بود ته راه ما به خون می‌زنند، رسید می‌زنند، خواستم این را نشان بدهم.

قاضی کشکولی گفت: نیازی به استفاده از بالش نبود.

نجفی گفت: وقتی بالش را برداشتم نظرم این بود که وقتی وارد می‌زنند، شوم اسلحه را نبیند چون فکر می‌زنند، کردم در وان یا زیر دوش است و می‌زنند، توانم با او حرف بزنم.

قاضی خطاب به متهم گفت که دقیقاً بگویید چه مطالبی را در آن لحظه به او گفتید.

نجفی گفت: خیلی کوتاه بود گفتم میترا تا کی می‌خواهی این بحث را تمام کنی؟ کارمان دارد به جاهای باریک می‌زنند، کشد. ایشان هول شد و دیگر نتوانستیم حتی حرف یا بحثی کنیم. گفت علی غلط کردم به خدا حلتش می‌زنم، اما به من فشار که آمد گلوله شلیک شد و بالش افتاد. یادم است دو تا سه بار گفتم دستم را ول کن و آن گلوله‌ها غیرارادی زده شد. در بازداشت فکر می‌زنند، کردم که صحنه را برای خودم بازسازی کنم اما نتوانستم.

قاضی پرسید: آیا از مقتوله تقاضای دیگری داشتی حتی در ذهن خود؟

نجفی گفت: به دنبال این بودم به توافق برسیم.

قاضی گفت: عوامل بررسی صحنه جرم در حمام، تا لحظه جابه‌جا شدن جسد خونی ندیده‌اند اما در کف حمام تا درب اتاق لکه‌ها می‌زنند، هایی از خون که خشک شده بود دیده شده، به نظر شما متعلق به کیست؟

متهم پاسخ داد: قطعاً مال مرحومه است. من دو بار در وان نشستم و در خانه قدم زدم و حدس می‌زنم از آخرین گلوله و اولین گلوله که به دستش خورد خون ریخته شده و وقتی نشستم قوزک پای چپم و قسمت چپ شلوارکم خونی شد. البته من متوجه خون پایم نشدم و وقتی راننده‌ام را دید و گفت فهمیدم.

قاضی خطاب به متهم پرسید: چه زمانی فهمیده‌اید که میترا استاد فوت شده است.

نجفی گفت: بلافاصله در وان افتاد، در حد ۳۰ ثانیه؛ منگ بودم، اسلحه را جلوی آینه گذاشتم و دستم را به روی پیشانی‌اش کشیدم و دیدم تکان نمی‌زنند، خورد، متوجه شدم فوت شده و دو بار هم در کنارش نشستم.

در همین لحظه سرگرد عزتی راد کارشناس ارشد اسلحه، گفت: در دو صورت تر و خشک، گاز باروت برداشت شده که نتیجه آن نشان‌دهنده این است که متوفی به متهم نزدیک بوده و گاز باروت در دستان متوفی نشسته و به همین دلیل استنباط درگیری داده شده است. همچنین اسلحه را تست کرده و در سیستم سابقه استفاده از آن را بررسی کردیم که نتیجه‌ای به دست نیامد. من از متهم سوآلی دارم، گروه خونی ایشان چه است؟

نجفی پاسخ داد: من B مثبت هستم.

قاضی دادگاه گفت: در پرونده بالینی سابقه خودکشی داشته‌اید، اگر تمایل دارید از آن بگویید.

به من گفته بود که در زندگی با همسر اولش سه بار خودکشی کرده

نجفی گفت: در آبان ۹۷ همین اختلافات و بحث‌ها را که می‌زنند، دیدم و دیدم توافقی در طلاق نیست تصمیم

گرفتم خود را تنبیه کنم اما بعد از اطلاع از عقوبت آن پشیمان شدم و در یکی از هتل‌ها ZWNJ؛ های تهران تعدادی قرص خوردم تا کسی من را پیدا نکند و بعد خواستم رگ دستم را بزنم اما بلافاصله از حال رفتم و بعد از دو روز من را در هتل پیدا کردند.

قاضی گفت: اثر ۴ بریدگی در دست چپ همسر دومتان دیده شده از آن مطلع بودید؟

نجفی گفت: به من گفته بود که در زندگی با همسر اولش سه بار خودکشی کرده، یکبار رگ دست چپش را زده و دو بار نیز قرص خورده است.

وکیل نجفی با بیان اینکه من وکالت چهره ZWNJ؛ ای سیاسی را بر عهده گرفته‌ام ZWNJ؛ ام که او را به پاک دستی می‌شناسند گفت: مردم طی ۴۰ سال نقطه منفی از او به یاد ندارند، رفتار آرامی دارد که این آرامش در کیفرخواست نیز آمده است. شخصیت آرام و متین وی و لبخندی که همیشه برچهره دارد بخشی از شخصیت وی است.

در ادامه وی به فعالیت‌های عام المنفعه وی در خصوص ایجاد مدارس برای دانش آموزان استثنایی و حمایت دانشجویان کم بضاعت اشاره کرد که قاضی پرونده از وی خواست در چارچوب پرونده سخن بگوید.

مردی نارشناس در زمان بازپرسی وارد صحنه قتل می‌شود و همه جا را بازرسی می‌کند ZWNJ؛

گودرزی پس از تذکر قاضی به نحوه آشنایی میترا استاد با شهردار سابق تهران اشاره کرد و گفت: در این مدت ارتباط نجفی با دوستانش قطع می‌شود و عمق اختلافات خانوادگی مشخص می‌شود. زمانی که وارد پرونده شدم صحنه قتل کوچک بود اما پر از بلوشوو و هرج و مرج. مشخصات اسلحه که قتل با آن اتفاق افتاده بود در تعارض با اسلحه ZWNJ؛ ای بود که در اختیار دکتر نجفی بود. همچنین تعداد گلوله ZWNJ؛ ای که اعلام شد شلیک شده ۹ گلوله بود، کسی می‌گفت گلوله از کف دست وارد سینه شده و نظر دیگر این بود که گلوله از پشت دست اصابت شده است. مردی نارشناس در زمان بازپرسی وارد صحنه قتل می‌شود و همه جا را بازرسی می‌کند و سپس از صحنه خارج می‌شود. یک روز بازداشت می‌شود و بعد آزاد شده و پی‌کارش می‌رود. این فرد چه کسی بوده است؟

وی ادامه داد: خانم استاد دچار سوء ظن بوده است. اجازه فعالیت‌های اجتماعی را از وی سلب کرده بوده است و اجازه تماس با خانواده را نداشتند. آقای نجفی تحت فشار روحی قرار داشته که یک بار نیز اقدام به خودکشی کردند. گزارشات نشان می‌دهد خانم استاد نیز دارای ناراحتی‌ها و تلاطم‌ها ZWNJ؛ های روحی زیادی بودند و روح پرتلاطمی داشتند اما حد و حدود گزارشات روانشناسی ما این است که یا فردی دیوانه زنجیری است یا عاقل و خردمند و حد وسطی وجود ندارد، اینکه شرایطی ایجاد شود که فرد کنترل روحی ZWNJ؛ اش را از دست بدهد و درگیر مسائل غیرارادی شود.

شماره ثبت شده سلاحی صحنه قتل و سلاحی که مجوزش را آقای نجفی داده، متفاوت است

گودرزی با تاکید بر اینکه پرونده دارای نواقص عدیده ای است که بخشی از این نواقص در جریان دادگاه در حال برطرف شدن است، گفت: این پرونده از پرونده ZWNJ؛ های مهم جنایی است و سوالات پاسخ داده نشده زیادی در آن مطرح است. یکی از نواقص پرونده نوع سلاح بوده است. سلاحی که در صحنه قتل شماره ZWNJ؛ اش ثبت شده B۵۲۰CZ بوده و سلاحی که مجوزش را آقای نجفی داده B۵۳۰CZ بوده است.

در صحنه قتل پیراهن مردانه پاره با دکمه‌ها ZWNJ؛ های مردانه کنده شده وجود دارد

وی افزود: ما شاهد ۵ پوکه در محل حادثه بوده‌ایم، اما ۹ تیر شلیک شده است. تیر از سقف به سمت دیوار کمانه نمی‌کند. همچنین بر اساس تیم بررسی صحنه جرم گلوله به سینه به صورت مدور وارد شده اما بر اساس گفته پزشکی قانونی گلوله که در قفسه سینه مقتول بوده حرکت بیضوی داشته که این دو از زمین تا آسمان با هم متفاوت است. این تضادها نشان می‌دهد پرونده دارای ابهاماتی است. یک حادثه مهم رخ داده، تضادهای زیادی در آن وجود دارد که محصول عجله است. من قصد روشن کردن ابهامات و پاک و پاکیزه کردن پرونده را دارم. در صحنه قتل پیراهن مردانه پاره با

دکمه‌ها و زنج‌ها؛ های مردانه کنده شده وجود دارد، در حالی که پیراهنی که دکتر نجفی آن روز استفاده کرد تیشرت بوده است. همچنین آزمایش گاز باروت که گرفته شده نشان از آثار گاز باروت در دست میترا استاد را می‌دهد.

پس از پایان جلسه سه ساعت و نیمه رسیدگی به اتهامات محمدعلی نجفی، قاضی محمدی کشکولی ادامه رسیدگی به این پرونده را به دوشنبه (۳۱ تیرماه) موکول کرد. در جلسه بعدی قرار است ادامه دفاعیات متهم، نظر کارشناس اسلحه و ادامه دفاعیات وکلای متهم اخذ شود.

در اولین جلسه رسیدگی به این پرونده در روز شنبه ۲۲ تیرماه قاضی محمد شهریاری سرپرست دادسرای جنایی تهران و نماینده دادستان، کیفرخواست پرونده محمدعلی نجفی متهم پرونده را قرائت کرد و گفت که اعتقاد نجفی به مهدورالدم بودن میترا استاد بوده است. سپس مطلعین پرونده از جمله زهرا نجفی (دختر نجفی) و علیرضا بیری (داماد نجفی) و فرهاد آقازاده (راننده نجفی) و معصومه رشیدیان خبرنگار انصاف نیوز به بیان توضیحاتی پرداختند.

براساس این گزارش، همسر محمدعلی نجفی شهردار سابق تهران صبح روز سه شنبه ۷ خردادماه به ضرب گلوله به قتل رسید. از همان ساعات اولیه تحقیقات برای شناسایی و دستگیری قاتل آغاز شد و عصر همان روز قاضی شهریاری سرپرست دادسرای امور جنایی تهران از اعتراف نجفی به قتل همسرش خبر داد.

نجفی در دادسرای جنایی تهران انگیزه خود برای قتل را اختلافات خانوادگی عنوان کرد و گفت: این اواخر گفتم من حاضرم هر چه دارم بدهم تا مهریه‌ها را بپردازم اما او می‌خواست که من کار کنم که از زندگی بیزار شوم.

در ادامه اخبار مربوط به این پرونده، پزشکی قانونی از محمدعلی نجفی تست روانشناسی و تست مواد مخدر و مصرف الکل اخذ کرد و طبق گفته صابری رئیس بخش معاینات روانپزشکی سازمان پزشکی قانونی کشور پرونده شخصیت برای محمدعلی نجفی تشکیل شد.

نهایتاً معاینات جسد همسر دوم محمدعلی نجفی شهردار پیشین تهران انجام و نتیجه به مرجع قضائی اعلام شد.

۱۳ خرداد ماه سال جاری علی القاصی مهر دادستان تهران گفت: با توجه به تکمیل تحقیقات در پرونده اتهامی آقای محمد علی نجفی دایر بر الف- قتل عمد خانم میترا استاد ب- حمل و نگهداری سلاح غیر مجاز ج- ایراد صدمه بدنی عمدی منتهی به جرح (غیر فوتی) با تقاضای اولیای دم مبنی بر قصاص نامبرده، پرونده با صدور کیفرخواست جهت رسیدگی به دادگاه کیفری ارسال شد و پرونده مطروحه از جهت قانونی یک پرونده قتل خانوادگی محسوب می‌شود که متأسفانه نظایر آن در طول سال اتفاق می‌افتد.

محمدعلی نجفی دانش‌آموخته دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه MIT، وزیر علوم دولت‌های دهه ۶۰، وزیر آموزش و پرورش دولت هاشمی‌رفسنجانی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت محمد خاتمی، عضو دوره سوم شورای اسلامی شهر تهران، رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و مشاور اقتصادی دولت حسن روحانی و دوازدهمین شهردار تهران بوده است.